



امام خمینی (ره)، انقلاب اسلامی و نوآوری

دکتر مرتضی تهامی
استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

اشاره

امام خمینی (ره) در روند انقلاب اسلامی با ایمان قوی و اتکال به خداوند از هیچ مشکلی نهراسید و انقلاب اسلامی را در تحقق اهداف آن رهبری کرد و به ثمر رساند. در بررسی اندیشه امام (ره) در مورد نوآوری و خلاقیت می‌توان دو مقوله را تبیین کرد: نوآوری‌های امام خمینی (ره) در جریان انقلاب اسلامی و اندیشه و مبادی نوآوری در کلام امام خمینی (ره). در مقوله اول، ۱. رهبری انقلاب اسلامی و به‌ثمررساندن آن از توانایی‌ها و نوآوری‌های منحصر به فرد امام (ره) است؛ ۲. اندیشه ولایت فقیه و ایجاد حکومت اسلامی از بنیادهای گرانسنگ اعتقادات اسلامی است که توسط امام (ره) مطرح و عملی شد؛ ۳. طرح وحدت حوزه و دانشگاه که دو رکن رکین انقلاب اسلامی هستند؛ ۴. توجه امام (ره) به مسائل روز و تغییر و تحولات جامعه و اجتهاد مطابق با این تحولات؛ ۵. ایجاد نهادها و سازمان‌های متناسب با نیاز انقلاب اسلامی و در مقوله دوم، به بحث نوآوری و خلاقیت در اندیشه حضرت امام (ره) به‌طور مستقیم پرداخته نشده است، ولی با بررسی کلام امام (ره) می‌توان دیدگاه ایشان را در موضوع نوآوری به دست آورد. توضیح اینکه، خویش‌شناسی و باور انسان به عظمت و شگفتی استعداد خود، پایه اساسی خلاقیت و نوآوری است. بر این مبنا می‌توان مبانی اندیشه امام (ره) را در نوآوری و خلاقیت بدین شرح بیان کرد: ۱. خودباوری و اتکا به نفس؛ ۲. پایداری و استقامت؛ ۳. تربیت اسلامی و انسانی؛ ۴. اعتماد به خدا و اتکال به نفس.

مقدمه

در میان مخلوقات خداوند، انسان اشرف موجودات است و آن اندازه عظمت دارد که مقام خلیفه‌اللهی را داراست. انسان نسخه و آیینۀ تمام‌نمای اسمای خداوندی است که به او امانت داده شده است. انسان به لحاظ داشتن این استعدادهای بالقوۀ خدادادی، می‌تواند مراتب کمال را ببیند و به جایی برسد که حتی فرشتگان او را سجده کنند و از این نیز بالاتر رود.

از جمادی مردم و نامی شدم
و ز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم
پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم؟
جمله دیگر بمیرم از بشر
تا برآرم از ملایک بال و پر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو
کل شیء هالک الا وجهه
(مولوی)

انسان با توانایی‌های خود می‌تواند در دو مسیر حرکت کند و استعدادهای خود را به منصۀ ظهور برساند:

۱. سیر طولی، در جهت کسب کمالات و معرفت الهی و نزدیک‌شدن به ذات اقدس الهی؛

۲. سیر افقی، در جهت اجتماعی، بروز استعداد و توانایی‌های خود در جهت ابداع و ایجاد چیزهای نو به منظور تسلط بیشتر بر طبیعت و بهره‌برداری مطلوب از آن با هدف تنعم بهتر از نعم الهی و عبادت و بندگی.

با تحقق این دو مسیر و تداوم آن، زندگی انسان مدام در حال کمال و تغییر خواهد بود و شامل این حدیث امام علی (علیه‌السلام) که می‌فرماید «هر که دو روزش مثل مثل هم باشد از ما نیست» نخواهد شد. پس سیر الی‌الله و طی مراحل کمال، بروز استعداد درونی و خلاقیتی است که بشر در سلوک الهی انجام می‌دهد. انسان موفق در سلوک الی‌الله یا به تعبیری، انسان مؤمن، وقتی به مسائل اجتماعی و نحوه تعامل با طبیعت پیرامون می‌پردازد، چون به مؤثر بودن خود در نظام هستی باور دارد، هیچ مانعی نمی‌تواند در راه او خلل

ایجاد کند. لذا ابتکارها و خلاقیت خود را به نحو احسن بروز می‌دهد.

جایگاه انسان در قرآن

انسان موجودی قابل تغییر بوده، از توان تحول بالایی برخوردار است. او می‌تواند منازل را در سیر کمال خود طی کند که در آیات ذیل آمده است:

«چگونه خدا را منکرید، با آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد، باز شما را می‌میراند [و] باز زنده می‌کند [و] آنگاه به سوی او بازگردانده می‌شوید. اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید، سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست.» (بقره: ۲۸ و ۲۹)

در این آیات، انسان مراحل مرگ، حیات، سپس مرگ و آنگاه حیات و در نهایت بازگشت به سوی خدا را طی می‌کند. انسان آن اندازه اهمیت دارد که خداوند می‌فرماید: آنچه در زمین است همه را برای شما [انسان] آفریده است. انسان، واجد حقیقتی است که برای رسیدن به آن آفریده شده و به سبب آن، شایسته مقام خلیفه‌اللهی گردیده است. (دلشاد تهرانی ۱۳۷۶: ۶۹)

شأن و مقام انسان در آیات ذیل بیان شده است:

«و [خداوند] نام همگان را به آدم آموخت، سپس آنان را بر فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می‌گویید که شما شایسته مقام خلافتید، مرا از آنان باخبر کنید. فرشتگان گفتند: پروردگارا، تو از هر عیب و کاستی پیراسته‌ای، ما را دانشی جز آنچه تو به ما آموخته‌ای نیست. بی‌تردید تویی دانا و حکیم. خدا گفت: ای آدم! از نام آنان به فرشتگان خبر ده. هنگامی که آدم

اسامی آنها را به فرشتگان خبر داد، خدا به فرشتگان گفت: آیا به شما نگفتم که من نهان آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه آشکار می‌کنید و آنچه کتمان کرده‌اید می‌دانم؟!» (بقره: ۳۱-۳۳)

انسان شرایط علم به اسمای الهی را داراست و به همین دلیل، خلیفه و جانشین خداوند در زمین است: «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰)

با توجه به این اوصاف، وجود انسان به گونه‌ای است که می‌تواند مظهر اسما و صفات الهی باشد و از این رو، اشرف مخلوقات است.

سید حیدر آملی می‌نویسد: «شرافت انسان بر سایر موجودات به نظر اهل تحقیق، تنها به این سبب است که او مظهر ذات مقدس الهی است که جامع تمام کمالات بالذات است». بر اساس آیات قرآن کریم، توانایی‌های ذاتی و استعدادهایی که خداوند به انسان داده است، عبارتند از:

۱. دارابودن فطرتی خدا آشنا: فطرت‌الله التي فطرناس علیها» (روم: ۳۰).

۲. آفریده‌شدن در بهترین شکل و مقام: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (تین: ۴).

۳. دارای کرامت (موهبت عقل) و عظمت: لقد کرّمنا بنی آدم (اسری: ۷۰).

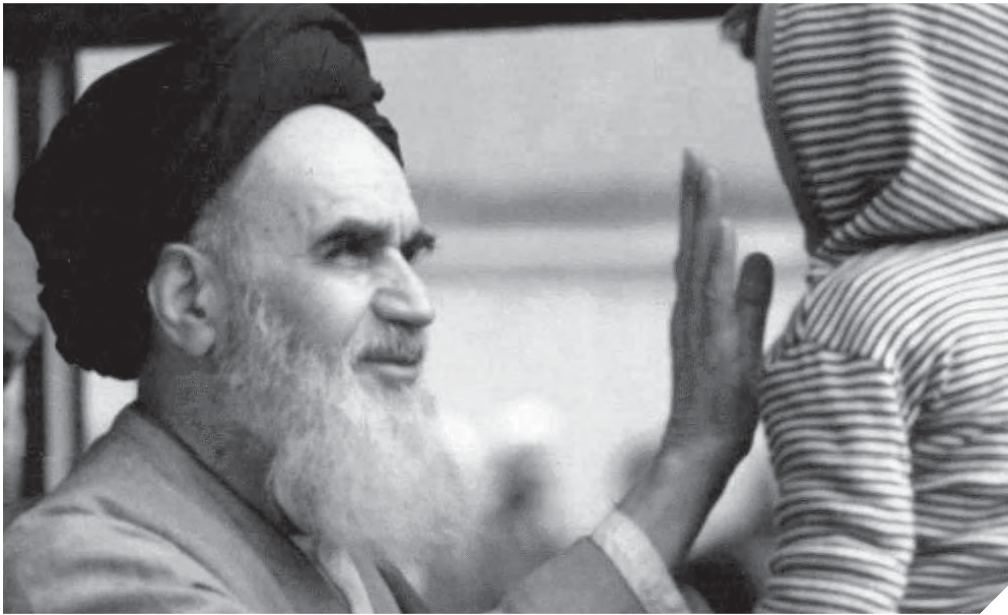
۴. خلیفه خدا در روی زمین: اّنی جاعل فی الارض خلیفه (بقره: ۳۰).

۵. دمیده‌شدن روح خدا در انسان: و نفخت فیہ من روحی (حجر: ۲۹).

۶. آموختن همه [معانی] نام‌ها از خداوند: و علم آدم الاسماء کلّها (بقره: ۳۱).

۷. برتری آشکار بر بسیاری از مخلوقات خداوند: و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا (اسری: ۷۰).

۸. امانت‌دار خداوند بودن: ... اّنا عرضنا



الامانة على السماوات و الارض (احزاب: ۷۲).

۹. آنچه در آسمانها و زمین است مسخر انسان است: و سخر لكم ما فی السماوات و ما فی الارض جمیعا (جائیه: ۱۳ و بقره: ۲۹).

بنا بر آنچه گفته شد «انسان موجودی است برگزیده از طرف خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد و مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم بر خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قدرت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود، اما جز در بارگاه الهی و با یاد او آرام نمی‌گیرد، ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است و از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است. (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۷۲)

خلاقیت و نوآوری (Creativity and Innovation)

انسان موجودی است صاحب فکر و اندیشه که به مدد فکر خود می‌تواند بر جهان پیرامون غلبه و آن را تسخیر کند و در اختیار بگیرد. هر چه قدرت تفکر و نوآوری او بیشتر باشد، نفوذ و تسلط او بر جهان بیشتر می‌شود. اندیشه انسان است که شخصیت او را رقم می‌زند:

ای برادر تو همین اندیشه‌ای

مابقی خود استخوان و ریشه‌ای
(مولوی)

به تعبیری، آدمی همان چیزی خواهد شد که می‌اندیشد و حیات اطراف خود را بر اساس همان اندیشه و روح درونی خود ترسیم می‌کند. ویلیام جیمز می‌گوید: از بین تمامی موجودات زمین، فقط انسان

می‌تواند الگوهایش را تغییر دهد، تنها انسان معمار سرنوشت خویش است. انسان‌ها با تغییر طرز فکر درونی ذهنشان می‌توانند جنبه‌های برونی زندگی‌شان را تغییر دهند. (سلمانی، ۱۳۸۳: ۲۴)

انسان با فکر و اندیشه خود می‌تواند قالب‌ها و صورتبندی‌های قدیمی را بشکند و باورهای جدید، بر پایه آگاهی و دانش خلق کند. او با درک خلاق خود می‌تواند فرایند تحولات پیش رو را به فرصت‌ها و موقعیت‌های مفید تبدیل سازد، در جریان امور تغییر ایجاد کند و به سمت و سوی ارزش‌ها، باورها و آینده بهتر برای خود و جامعه حرکت نماید.

انسان با نیروی تفکر به خلاقیت و نوآوری دست می‌زند. گیلفورد (Guilford) خلاقیت را مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصیصه‌هایی می‌داند که موجب تفکر خلاق می‌شود. (بونو، ۱۳۸۳: ۳)

خلاقیت در ساده‌ترین شکل خود، به معنی به‌وجودآوردن چیزی است که قبلاً وجود نداشته است. (همان: ۳)

خلاقیت توانایی ذهنی است که با نیروی آن انسان بتواند فکر یا مفهوم جدیدی را ایجاد یا ایده‌های مختلف را ترکیب و بین آنها پیوستگی ایجاد کند. فریمن می‌نویسد: «خلاقیت، یعنی ارائه یک نظریه جدید و نوآوری، یعنی جامه عمل پوشانیدن به یک

خلاقیت و نوآوری به خودی خود رخ نمی‌دهد و مستلزم تفکر نو، قانع‌نشدن به راه‌حل‌های موجود، قدرت تغییر پیش‌فرض‌های مسئله، جامع‌نگری به موضوع، قابلیت ایده‌پروری، و اهمه‌نداشتن از شکست، خطرپذیری، حل مسائل ذهنی و قدرت تخیل است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

**هرچه قدرت تفکر و نوآوری
انسان بیشتر باشد، نفوذ
و تسلط او بر جهان بیشتر
می‌شود. اندیشه انسان است
که شخصیت او را رقم می‌زند.**

خلاقیت و نوآوری می‌تواند در هر یک از این دو بعد صورت گیرد. در قسمت اول، منظور تعالی معنوی است. در بعد مادی، انسان می‌تواند با فعالیت‌های خلاقانه، طبیعت را بیشتر به خدمت بگیرد و خواسته‌های مادی خود را برآورده سازد. اگر این فعالیت‌ها بر پایه معنویات و جهات انسانی نباشد، موفقیت‌آمیز نخواهد بود و پایداری کمتری خواهد داشت.

امام خمینی (ره) در طول زندگی خود با خودسازی و تزکیه نفس و کسب معارف الهی و دینی، سیر کمال را پیمود و به مراتب والای معنوی و عرفانی رسید. امام خمینی (ره) مراحل تحول درونی را طی کرده و با گذران انقلاب فکری درونی و خویش‌شناسی عرفانی و اخلاقی، به مشخصات یک انسان کامل نائل شده بود. بنابراین وارد عرصه مبارزات سیاسی-اجتماعی شد و در مقابل تلاش حاکمیت پهلوی در راستای محو دین و اندیشه دینی، احیای فرهنگ و هویت اسلامی را وجهه همت خود ساخت (خلیلی، ۱۳۸۵: ۲۱) و موفق شد حکومت اسلامی را تشکیل دهد.

امام (ره) در جریان مبارزه، خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی انجام داد که با معیارهایی که در بحث خلاقیت برشمردیم، همسان و هماهنگ است. در ادامه، برخی از ویژگی‌های شخصیتی خلاق حضرت امام (ره) بیان می‌شود.

۱. اعتماد به نفس

رسولی محلاتی در مورد اعتماد به نفس امام (ره) می‌گوید: «این هم از نعمت‌های الهی و ویژگی‌های بزرگ امام رضوان‌الله علیه بود که در برخورد با حوادث مهم و تکان‌دهنده از یک نفس مطمئنه و قوت قلب و توکل بی‌نظیری برخوردار بود که همچون کوهی استوار، هیچگونه تزلزل و

نظر جدید. (خرما پر نخیل، ۱۳۸۶: ۴۱۰) نوآوری نتیجه خلاقیت است. اندیشه خلاق وقتی به ثمر رسید؛ یعنی وقتی یک شیء یا فکر جدید ایجاد شد، آن نتیجه نوآوری است. خلاقیت و نوآوری به خودی خود رخ نمی‌دهد و مستلزم جسارت در مهارت‌هایی است که به کمک آنها بتوان خلاقیت ایجاد کرد. این مهارت‌ها عبارتند از: تفکر نو، قانع‌نشدن به راه‌حل‌های موجود، قدرت تغییر پیش‌فرض‌های مسئله، جامع‌نگری، قابلیت ایده‌پروری، واهمه نداشتن از شکست، خطرپذیری، حل مسائل ذهنی و قدرت تخیل. (خانین، ۱۳۸۱: ۱۰۳)

از نظر شخصیتی، فرد خلاق باید این خصوصیات را دارا باشد: «اعتماد به نفس، اراده مستقل، شجاعت در ابراز عقیده، ثبات عاطفی، فداکاری، احساس مسئولیت به خود و دیگران، علاقه به پرسش، اندیشه عمیق، کنترل نفس، پشتکار، انگیزش، بصیرت و...» (کراس، ۱۳۷۲: ۱۹)

عواملی مانند عدم اعتماد به نفس، باورنداشتن خود، منفی‌نگری، ترس از انتقاد و شکست‌پذیری، از موانع خلاقیت به شمار می‌روند.

در خلاقیت، علاقه و انگیزه‌های درونی مبنای اصلی کار است؛ یعنی اینکه افراد خلاق بیشتر به وسیله علایق درونی خود نسبت به کارهای خلاق برانگیخته می‌شوند تا عوامل بیرونی نظیر پول، تأیید دیگران و...» (خانین، ۱۳۸۱: ۵۴)

انسان در جریان زندگی با موانع و مشکلات و ابهاماتی رو به رو می‌شود و اگر مقهور موانع شود، نمی‌تواند از استعدادهای شگرف خود بهره ببرد. در این راستا اگر انسان به اندازه وسع و توان خود فعالیت کند، می‌تواند مشکلات را حل کند و راه تعالی را بییماید. خداوند در قرآن



می‌فرماید: لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (بقره: ۲۸۶) در این زمینه مولوی می‌گوید: گر بریزی بحر را در کوزه‌ای چند گنجد قسمت یک روزه‌ای آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

امام خمینی (ره) و نوآوری

با توجه به بحث‌هایی که گذشت، انسانی که بتواند سیر کمال الی‌الله را بییماید، به طور حتم در سیر عرضی موفق‌تر است؛ چون تمام عواملی که نیاز است آنها را در وجود خود تقویت کند تا بتواند دست به خلاقیت و نوآوری بزند و بر طبیعت تسلط بهتر یابد، در سیر الی‌الله نهفته است. به عنوان مثال، اگر شما به جای آموزش چیدن گل، روش پرورش گیاه را به فردی آموزش دهید، وی چیدن گل را هم یاد می‌گیرد.

انسان دارای دو بعد معنوی و مادی یا روحانی و جسمانی است. در بعد معنوی و روحانی، اندیشه‌ها، گرایش‌ها، اخلاق، ادب، هنر و غیره مطرح است و در بعد مادی و جسمانی، حفظ نسل هدف است. این دو بعد لازم و ملزوم یکدیگرند، با تأکید بر اینکه مسائل معنوی، جهت‌دهنده و کنترل‌کننده نیازهای مادی هستند.

**نوآوری نتیجه خلاقیت
است. یعنی وقتی یک شیء
یا یک فکر جدید ایجاد شد،
نتیجه آن نوآوری است.**

ترس و اضطرابی او را نمی‌گرفت و بلکه هرگونه ترس و اضطرابی را از دل همراهان و نزدیکان خود دور می‌کرد. (مجله حوزه، ۱۳۶۹: ۱۰)

۲. استقلال

امام(ره) از همان اوان مبارزه شخصاً تصمیم می‌گرفت و عمل می‌کرد: اولاً این را عرض بکنم که من از اولی که داخل در این باب شدم [اجازه] دخالت به کسی نمی‌دادم. به نزدیکان خودم هم اجازه دخالت هیچ وقت نمی‌دادم، خودم مستقل بودم در کارهایم، خودم هر کاری را می‌خواستم می‌کردم و هر کاری را نمی‌خواستم نمی‌کردم. به حسب تشخیص و تفکر خودم کارها را انجام می‌دادم. (رجایی، ۱۳۸۴: ۱۴۹)

۳. شجاعت در ابراز عقیده

در دوران خفقان رژیم ستمشاهی که هرگونه صدایی را در گلو خفه می‌کرد، امام(ره) با شجاعت در برابر رژیم ایستاد و در بیان حقایق، ترسی به خود راه نداد. حضرت امام(ره) در جریان حمله مأموران رژیم به بازار تهران می‌فرماید: «کنون که مرجع صلاحیتداری برای شکایت در ایران نیست و اداره این مملکت به طور جنون‌آمیز در جریان است، من به نام ملت از آقای علم شاغل در نخست‌وزیری، استیضاح می‌کنم. با چه مجوز قانونی در دو ماه قبل حمله به بازار تهران کردید و علمای اعلام و سایر مسلمین را مصدوم و مضروب نمودید؟» (همان: ۲۰۳)

۴. فداکاری

یکی دیگر از جنبه‌های شخصیتی خلاق حضرت امام(ره) فداکاری است. ایشان می‌فرمایند: «من جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم (همان: ۷۴). در جای دیگر

مهیای مؤاخذه‌ام. (رجایی، ۱۳۸۴: ۴۴) در جای دیگر می‌گویند: «عزیزان من! پیش من رهبری مطرح نیست؛ برادری مطرح است «خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم ما را برادر خوانده است: انما للمسلمون اخوه.» (همان: ۳۹)

مبانی نوآوری در کلام امام خمینی(ره)

از قرن شانزدهم واقعه رنسانس در اروپا شکل گرفت و نفوذ اروپاییان در کشورهای دیگر شروع شد. کشور ایران هم یکی از طعمه‌های آنان بود و سعی می‌کردند به روش‌های مختلف، نفوذ و سیطره استعماری خود را در ایران گسترش دهند. استعمارگران در رسیدن به اهداف شوم خود از طریق تنظیم قراردادهای اقتصادی و غیره وارد شدند و بدین منظور، تلاش می‌کردند حاکمان و حکومت را مطابق خواسته‌های خود جهت دهند.

دوره پهلوی‌ها اوج این نفوذ است. روی کار آمدن پهلوی‌ها و سیاست‌هایی که اعمال کردند، تابعی از اندیشه‌ها و سیاست‌های انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر رژیم، اندیشه و ارزش‌هایی که پیش از آن جریان داشت، به راحتی تغییرپذیر نبود. لذا حضرت امام(ره) با بررسی ریشه‌های موضوع، در صدد از بین بردن تفکر استعماری و خودباختگی برآمد. ایشان معتقد بودند که جریان استعمار و حکومت خودکامگان، اصل انسانیت و باورهای انسانی را از بین برده و وقتی انسان به توانایی‌ها و استعداد‌های خود باور نداشته باشد، از خود بیگانه می‌شود و نمی‌تواند درست فکر کند و بیندیشد. از این‌رو، از استقلال و نوآوری و ابتکار دم‌زدن بیهوده است. امام(ره) در از بین بردن این اندیشه‌ها بر مبانی‌ای تکیه می‌کردند تا مردم، هویت اسلامی و انسانی

می‌فرمایند: «هرچه از من برآید با حالی که دارم مضایقه ندارم و خدمتگزار همه هستم.» (همان: ۱۸۳)

۵. خطرپذیری

امام خمینی(ره) در راه رسیدن به هدف، هرگونه خطر و مشکلی را پذیرفت و از راه باز نایستاد. در طول این مدت من در مواقع مختلف، جنایات شاه را چه در اعلامیه و چه در خطابه اعلام می‌کردم و هر فاجعه‌ای را گوشزد می‌نمودم و هرگز ساکت ننشستم. (همان: ۳۹)

همچنین می‌فرمایند: «اگر من خدای نخواسته یک وقتی دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه می‌افتم و از هیچ چیزی نمی‌ترسم، بحمدالله تعالی، والله تا حالا نترسیده‌ام.» (همان: ۷۵-۷۴)

۶. دوری از خواست‌های فردی

حضرت امام(ره) در طول زندگی مبارزاتی خود، هیچ هدفی به جز اسلام‌خواهی را مطرح نکرد: «تمام مقصد ما اسلام است» (انصاری، ۱۳۷۶: ۱۷۹). ایشان در پرهیز از خواست‌های شخصی می‌فرمایند: خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخطی‌ای از من سرزند،

خود را به دست آورند و با خویش‌شناسی و توجه به عظمت و شگفتی استعداد‌های خود، بتوانند راه استقلال فردی و اجتماعی را طی کرده، به پیشرفت‌های معنوی و مادی دست یابند.

اگر چه در اندیشه امام (ره) به طور مستقیم به نوآوری پرداخته نشده است، ولی می‌توان عنوان ذیل را از کلام ایشان درباره نوآوری بیان کرد:

۱. خودباوری

این مبحث را می‌توان بدین شرح دسته‌بندی کرد:

الف) از بین بردن تفکر هیچ انگاشتن خود

[شاه] به همه ملت‌ها فهماند که ما هیچ نیستیم، ما حتی عمل آپاندیس هم بعد از مدت‌ها در دانشگاه نمی‌توانیم انجام بدهیم. ما می‌خواهیم این فکر را از توی کله‌ها بیرون کنیم. (گلچین میلاد ۱، ۱۳۷۸: ۱۷) امام (ره) در جای دیگر می‌فرماید: حالا دزدها را بیرون کردیم، اما خودمان را پیدا نکردیم. باید خودمان را پیدا کنیم. (صحیفه نور، ج ۱۰، ۱۳۶۱: ۵۷)

ب) باور به توانایی‌های ذاتی انسان

اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم، این قدرت در همه افراد بشر به قوه هست. اگر این باور برای شما پیدا

حضرت امام خمینی (ره) معتقد بودند که جریان استعمار و حکومت خودکامگان، اصل انسانیت و باورهای انسانی را از بین برده و وقتی انسان به توانایی‌ها و استعداد‌های خود باور نداشته باشد، از خود بیگانه می‌شود و نمی‌تواند درست فکر کند و بیندیشد.

شد... و یک ملت وقتی که یک مطلب را باور کرد که می‌تواند انجام بدهد، انجام خواهد داد. (مجله حوزه، ۱۳۶۹: ۳۷۳)

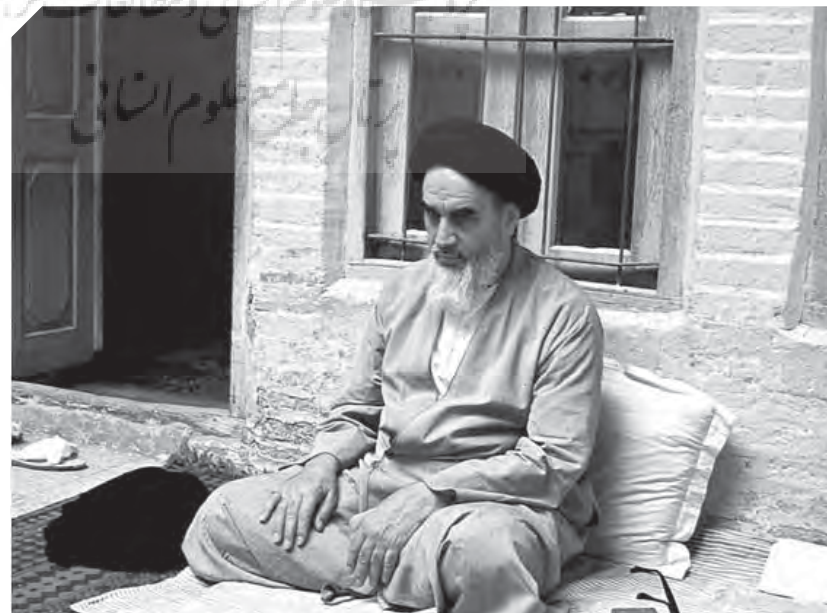
باور به توانایی خود و تکیه بر آن، اساس پیروزی است» (جانعلیزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۳) ج) امیدواری و توجه به مفاخر کشور افراد باور دارند که خواستن، توانستن است، امید دارند و یأس به خود راه نمی‌دهند. افراد باور دارند که باید خودشان و قدرت خودشان را بشناسند، به خودشان تکیه کنند، به مفاخر خودشان رجوع کنند و نسبت به موفقیت امید داشته باشند. (همان: ۱۰۹)

حضرت امام (ره) همسو با باور به خود و قدرت و توانایی‌های فردی و اجتماعی، تأکید می‌فرمودند که: ما همه چیز داریم، فرهنگ ما غنی است، مملکت ما غنی است، منتها نگذاشتند این امور تحقق پیدا بکند. (صحیفه نور، ج ۹، ۱۳۶۱: ۱۵۷) «باید برویم دنبال اینکه همه چیز از خود ما باشد.» (حاضری، ۱۳۷۸: ۱۷)

برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی، خود و مفاخر ملی و فرهنگی خود را دریابید.» (صحیفه نور، ج ۹، ۱۳۶۱: ۱۸۶)

د) مبارزه با خودباختگی

خودباختگی نقطه مقابل خودباوری است. خودباختگی فلج ذهنی است در مقابل هر پدیده‌ای. اینجا چون بحث در شیفتگی و خودباختگی و تفکری است که غرب طی سال‌ها در رژیم گذشته بر کشور ما تحمیل کرده، فلج ذهنی در برابر غرب و فرآورده‌های خیره‌کننده آن مورد نظر است. فرد خودباخته معجونی است از چند فرهنگ که در عین حال هیچ کدام نیست؛ نه این و نه آن، کلاف سردرگمی که هدف زندگی را گم کرده است. امام (ره)



این رویه زندگی و اندیشه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و با آن مبارزه می‌کند و اینگونه تفکر را از مصیبت‌های بزرگ می‌شمارد: یکی از مصیبت‌های بزرگی که برای این ملت بار آوردند، اینکه ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کردند؛ یعنی ما خودمان را باختم در مقابل آنها و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست‌زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی‌مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم، بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق‌زده بی‌فرهنگ آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی را سرکوب و مأیوس نموده و می‌نمایند. (حاضری، ۱۳۷۸: ۳۷ و ۵۵)

در جای دیگر می‌فرمایند همه گرفتاری‌ها و بدبختی‌های ما همین است که خودمان را گم کرده‌ایم، یک کسی دیگر به جای ما نشسته است. (همان: ۱۲)

وقتی فرد خود را گم کند و وابسته باشد، دیگر فکر کردن و خلاقیت معنایی نخواهد داشت. امام (ره) در این باره می‌فرماید: «وقتی وابسته باشیم دیگر فکر نمی‌کنیم؛ وقتی فکر نباشد، خلاقیت و ابتکار نیست، فقط معرف است.» (همان: ۴۱)

۲. توجه به جوانان

جوانان امید و آینده‌سازان هر کشور

محسوب می‌شوند. امام (ره) به این قشر توجه خاص داشتند و از مسئولان و دست‌اندرکاران کشور می‌خواستند که زمینه ارتقای اخلاقی و علمی و هنری آنان را فراهم کنند:

من به همه مسئولان و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها هم راهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استبداد خارجی‌ها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدافتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کی هستیم، به هويت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آن‌همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته باشیم، ان‌شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. (صحیفه نور، ج ۲۰، ۱۳۶۱: ۲۴۱-۲۴۲)

حضرت امام (ره) از جوانان می‌خواهند که در جهت سازندگی و پیشبرد امور با شجاعت و اتکا به نیرو و توان خود تلاش کنند تا وابستگی کشور به خارج قطع شود: جوانان ما اثبات کردند که می‌توانند خودشان عمل بکنند و شما مطمئن باشید که در درازمدت شما همه کار می‌توانید بکنید. همان‌طور که با شجاعت، ابرقدرت‌ها

را خارج کردید، با شجاعت در فرهنگ خودتان کار بکنید و در کارهای خودتان، خودتان عمل بکنید و اتکای خودتان را هر روز به خارج کم بکنید و یک وقتی برسد که هیچ اتکا به خارج ما نداشته باشیم و همه چیز را خودمان تهیه کنیم. (همان، ج ۱۶: ۶۳)

با توجه به اهمیت جوانان، حضرت امام (ره) در خصوص تربیت آنان تأکید می‌کنند که: جوان‌های ما را تربیت صحیح بکنند نه یک تربیت انگلیسی» (همان، ج ۵: ۲۰۰) و در رابطه با فرهنگ که جلوگیری‌کننده از تربیت انگلیسی نیز هست، می‌فرمایند: فرهنگ، مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوانانی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند... [اولی] اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح باشد، جوانان ما صحیح بار می‌آیند (همان، ج ۱: ۲۷۳). بنابراین، در نظر امام (ره) جوان باید آگاه، مستقل، خودباور، شجاع، مبارز، مقاوم، خداجو و اهل علم و تقوا باشد.

۳. تربیت اسلامی و انسانی

حضرت امام (ره) در مقوله تربیت، انسان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند: ۱. انسان‌های تربیت‌نشده؛ ۲. انسان‌های تربیت‌شده. ایشان منشأ مضرات در جامعه را انسان‌های تربیت‌نشده می‌دانند که از هر مخلوقی مضرترند: «آن قدر که انسان غیرتربیت‌شده مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست.» (همان، ج ۱۴: ۱۰۳)

افراد تربیت‌نشده افرادی هستند که مهذب نشده‌اند. خودخواهی و هوای نفس بر آنان غلبه دارد. در هر صحنه‌ای که وارد شوند خطرناک هستند. اگر نفوسی تزکیه‌نشده و تربیت‌نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقهات، در صحنه سیاست، در هر صحنه‌ای که وارد بشوند اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند، خطر اینها بر بشر خطرهای بزرگ است. (همان: ۲۵۴)

حضرت امام (ره) تأکید می‌کنند که راه اصلاح جامعه و پیشرفت آن، در گرو از بین بردن خودخواهی و حب نفس است: آنچه برای هر انسان و هر متصدی امری، خطر است، هر بلایی که انسان یا جامعه از دست قدرتمندان می‌بیند، در اثر هوای نفس و خودخواهی است. ائمه ما در روایات فرموده‌اند: رأس کل خطیئه حب النفس. ما باید تا اندازه‌ای که می‌توانیم به شیوه آنها عمل کنیم و از چیزهایی که دام شیطان است که بزرگ‌ترین دام همان خودخواهی انسان است، رهایی پیدا کنیم و بر صراط مستقیم الهی راه برویم تا بتوانیم هم

**باید از مغز ملت‌ها
نمی‌شودها را بیرون
کرد و به جای آن،
می‌شودها را گذاشت.**

خود و هم جامعه‌مان را اصلاح کنیم. (جانعلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

انسان‌های تربیت‌شده در جامعه از هر موجودی، حتی ملائک مفیدترند. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «آن قدر که انسان تربیت‌شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست.» (صحیفه نور، ج ۱۴، ۱۳۶۲: ۱۰۳)

جامعه‌ای که افراد آن تربیت اسلامی دارند آن جامعه پیشرو است. اگر افراد یک ملت تزکیه شده باشند، آن ملت پیشرو است. (جانعلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

حضرت امام (ره) رمز پیروزی و موفقیت انسان را مجاهده در راه خدا همراه با خلوص نیت می‌دانند و تأکید می‌فرمایند: «شما مجاهده کنید تا هر چه در دل دارید زدوده شود که اگر برای خدا خالص شدید، در پیروزی‌تان مؤثر است. باید اتکایتان فقط به خدا باشد. (صحیفه نور، ج ۱۸، ۱۳۶۵: ۱۱۳)

۴. اعتماد به خدا و اتکال به نفس

حضرت امام (ره) دو جهت و مبنای اصلی را در رسیدن به استقلال، ابتکار و نوآوری به جوانان تأکید می‌کنند:

عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم؛ یکی، اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی، اتکال به نفس و اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید. (همان: ۱۴۴)

ایشان در همین ارتباط می‌فرمایند: «مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند، به شرط آنکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه می‌توانیم. (همان: ۱۴۶)

بنابراین، نوآوری وقتی عملی می‌شود که انسان به خود و توانایی‌هایش واقف شود و باور کند که می‌تواند. انسان وابسته و سست و ضعیف نمی‌تواند منشأ اختراع و اکتشاف و... باشد.

نکته دیگر توجه به ارزش‌ها و مفاخر کشور است که عامل همبستگی و پیوستگی ملی می‌شود و انگیزه‌بخش و تقویت‌کننده روح خودباوری است. اما روح خودباوری وقتی ارزشمند و جاودان خواهد بود که با یاد و اتکال بر خداوند متعال باشد؛ چرا که خدای متعال یاد خود

را مایه جلالی دل‌ها قرار داده است. با یاد خدا دل‌ها پس از سنگینی، شنوا و پس از کوری، بینا و پس از سرکشی، نرم و ملایم می‌گردد (نهج‌البلاغه، خ ۲۲۰). انسان باید بپذیرد که مخلوق است، آفریده است و آفریده بدون خالق وجود ندارد. از این رو، اگر کارهای انسان بر مبنای آنچه خالق ارائه داده است نباشد، بی‌ارزش و ناپایدار است. جریان کار انسان در راستای رضای خداوند باید همراه با تهذیب نفس باشد؛ یعنی خلوت و جلوتش فرقی نداشته باشد. حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «انبیا به شما کار دارند. توی صندوقخانه هم که هستی به تو کار دارند، هیچ کس نیست، لکن حکم خدا هست دنبال شما. آنها می‌خواهند یک انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد. (صحیفه نور، ج ۷، ۱۳۶۱: ۲۵۸)

بدانید که عالم محضر خداست و قلب انسان حرم الهی است و در حرم الهی چیزی جز ذات اقدس الهی نباید راه یابد: «القلب حرم الله لاتسکن حرم الله غیر الله.» (بحارالانوار، ج ۷۰، باب ۴۳: ۱۲۵)

وقتی درون انسان صیقل یافت و محل انوار الهی قرار گرفت، آنگاه انسان هستی را هدفمند و محل سعادت می‌بیند. لذا تلاش و کوشش او در جامعه جدی و با انگیزه قوی صورت می‌گیرد و می‌تواند مصدر خلاقیت‌ها و نوآوری‌های ارزشمند و پایدار بشود. آثاری که ایجاد می‌شود چون متکی بر ایمان به خداست، روحبخش و گنجینه‌ای فزاینده خواهد بود که در هر زمان به فضای جامعه، روح و فطرت انسانی را به اصل خود سوق می‌دهد. نظری بر آثار اسلامی که در گوشه و کنار کشور است، این نکته را به خوبی روشن می‌کند. آیا می‌توانید وقتی وارد صحن مسجد گوهرشاد می‌شوید عظمت و بزرگی خداوند را به یاد نیارید؟ آیا می‌توان عروج معنوی‌ای را که با دیدن این اثر ایجاد می‌شود، انکار کرد؟ در پایان، از کلام امام (ره) برخی نکات اجرایی را که لازمه خودباوری و رسیدن به نوآوری و شکوفایی است بیان می‌داریم:

- شما باید مستقل باشید و رشد انسانی

پیدا بکنید، بچه‌ها را، جوانان ما را رشد انسانی بدهید. (همان، ج ۵: ۲۰۱)

- باید فرهنگ متحول بشود به یک فرهنگ سالم، به یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی. (همان، ج ۲: ۷۷)

- ما باید خودمان را تغییر بدهیم تا اینکه بتوانیم سر پای خودمان بایستیم و بفهمیم که ما شرقی هستیم و ما در اسلام هستیم و برنامه ما اسلام است. (حاضری، ۱۳۷۸: ۸۱)

- ما خودمان باید در افکارمان و در آرایمان مستقل باشیم، این طولانی است. (همان: ۸۲)

- باید از مغز ملت‌ها این نمی‌شودها را بیرون کرد و به جای آن، می‌شودها را گذاشت. (صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۸۰)

- باید استعدادها را به کار بیندازند و دولت و ملت تأیید کنند از این کسانی که اختراع و ابداع می‌کنند تا ان‌شاءالله ایران خودش همه چیز را بسازد و مستقل شود. (همان، ج ۱۳: ۱۹۸)

- مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم. (تبیان، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

نتیجه

امام خمینی (ره) بزرگ‌مردی بود که پس از سال‌ها طی کردن مراتب معنوی و عرفانی، با پشتوانه اندوخته معنوی خود، مبارزه را آغاز کرد و پس از سال‌ها مبارزه سخت و دشوار، توانست حکومت اسلامی را ایجاد کند و در ادامه با ابتکارات و نوآوری‌های خود، حکومت را از هجمه‌ها و مصیبت‌هایی که از داخل و خارج بر پیکر آن وارد می‌شد، حفظ نماید. راز موفقیت امام (ره) در این مبارزه طولانی و سهمگین و پایه ابتکارات و نوآوری‌های ایشان، عبارت است از:

۱. خداجویی و تکیه بر اسلام که هیچگاه از آن عدول نکرد؛
۲. تهذیب نفس؛
۳. اعتماد به نفس؛
۴. ترس به خود راه ندادن؛
۵. علم و وسعت نظر.

با توجه به آنچه بیان شد، امام (ره) رهبری بود کارزماتیک، احیاکننده دین، رهایی‌بخش و احیاگر هویت ملی.

منابع

قرآن کریم.
نهج‌البلاغه.
امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
انصاری، حمید (۱۳۷۶). حدیث بیداری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
بونو، ادوارد دو (۱۳۸۳). خلاقیت جدی، ترجمه قاسم بصیری و مرتضی غفاری پور، تهران: آبیژ.
جانعلیزاده، حیدر (۱۳۸۶). «جامعه متمدن از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، ش «۱».
حاضری، علی‌محمد و علی‌اکبر، علیخانی (۱۳۷۸). «خودباختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی (ره)»، تبیان (دفتر بیست و ششم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
حسینی، محمدحسن (۱۳۷۸). نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: عروج.
خرما بر نخیل (۱۳۸۶). ویژه‌نامه آثار برگزیده تدریس و مدیریت دوره راهنمایی تحصیلی، تهران: سازمان آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران.
خلیلی، رضا (۱۳۸۵). «تکوین تعاملی دین و هویت در اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، ش ۲.
دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی، تهران: ذکر.
رجایی، غلامعلی (به کوشش) (۱۳۸۴). امام به روایت امام، تهران: عروج.
سام‌خانین، محمدربیع (۱۳۸۱). خلاقیت و نوآوری در سازمان مدیریت آموزشی، تهران: اسپند هنر.
سلمانی، مهرداد (۱۳۸۳). انسان آفرینشگر، تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
شل کراس، دوریس جی (۱۳۷۲). آموزش رفتار خلاق و استعدادهای درخشان، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد: آستان قدس رضوی.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۰). تفسیر المیزان، ج ۱۳، قم: بنیاد علمی علامه طباطبایی.
گلچین میلاد «۱» (۱۳۷۸). تهران: ستاد بزرگداشت صدمین سال میلاد حضرت امام خمینی (ره).
مجله حوزه (۱۳۶۹). ش ۳۷-۳۸، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار، تهران: صدرا.